

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم بلاغی و زیبایی شناختی قرآن (۱)

دکتر حسن خرقانی
(دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)

پاییز ۱۳۹۸

درسمانده دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

خرقانی، حسن، ۱۳۴۸-
علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن (۱) / حسن خرقانی؛ [برای] وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
پانزده، ۲۳۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۹۹: قرآن پژوهی؛ ۶۵)
بها: ۲۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۱۳] - ۲۲۲: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. قرآن -- مسائل لغوی. ۲. Qur'an -- Language, Style. ۳. قرآن -- مسائل ادبی. ۴. Qur'an as literature.
الف. ایران. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
BP۸۳
۲۹۷/۱۵۳
شماره کتابشناسی ملی
۵۷۱۰۳۲۳



علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن (۱)

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر حسن خرقانی

ناظر: حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمود طیب‌حسینی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر حسن خرقانی و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب‌حسینی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

درس اول: علوم بلاغت و زیبایی‌شناسی سخن و پیشینه آنها

۱. زیبایی و زیبایی‌شناسی..... ۷
۲. علوم ادبی..... ۹
۳. علوم بلاغی..... ۱۰
- الف) علم معانی..... ۱۰
- ب) علم بیان..... ۱۰
- ج) علم بدیع..... ۱۰
۴. نقش دانش‌های بلاغی در شناخت و فهم قرآن..... ۱۰
۵. بُعد زیبایی‌شناختی علوم بلاغی..... ۱۱
۶. پیشینه علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن..... ۱۲
- نگاهی به عصر حاضر..... ۱۵
۷. علوم بلاغی و زیباشناختی در میان علوم قرآنی..... ۱۶
۸. علوم بلاغی، دانشی فرا زبانی..... ۱۹
- پرسش..... ۲۰

درس دوم: درآمدی بر بلاغت قرآن

۱. زیبایی قرآن و کلام اهل بیت (علیهم‌السلام)..... ۲۱
۲. زبان عربی و ظرفیت‌های زبان‌شناختی و زیبایی‌شناختی آن..... ۲۳
۳. زبان قرآن..... ۲۶
۴. سبک قرآن..... ۲۷
۵. مسئله لفظ و معنا..... ۲۹
۶. فصاحت و بلاغت..... ۳۰

الف) فصاحت	۳۱
ب) بلاغت	۳۳
۷. فصاحت قرآن و پاسخ به شبهاتی درباره آن	۳۴
۸. کاربرد فصاحت و بلاغت در آیات و روایات	۳۶
پرسش	۳۸

درس سوم: بیان و تشبیه

علم بیان	۳۹
در پیشگاه قرآن	۳۹
تعریف علم بیان	۴۰
تشبیه	۴۲
در پیشگاه قرآن	۴۲
۱. تعریف تشبیه	۴۳
۲. ارکان تشبیه	۴۴
الف) ادات تشبیه	۴۴
حذف ادات تشبیه	۴۵
ب) دو سوی تشبیه	۴۶
انواع تشبیه با توجه به حسی و عقلی بودن دو سوی آن	۴۶
یک. تشبیه محسوس به محسوس	۴۷
دو. تشبیه معقول به معقول	۴۷
سه. تشبیه معقول به محسوس	۴۸
چهار. تشبیه محسوس به معقول	۴۹
ج) وجه شبه	۴۹
یک. ذکر و حذف وجه شبه	۵۰
دو. انواع وجه شبه	۵۱
۳. تشبیه تمثیل	۵۱
۴. تشبیه بلیغ	۵۲
۵. تشبیه مقلوب	۵۳
پرسش و تطبیق	۵۴

درس چهارم: استعاره در قرآن

حقیقت و مجاز	۵۵
استعاره	۵۶
در پیشگاه قرآن:	۵۶
۱. تعریف و ماهیت استعاره	۵۸

۵۹		۲. ارکان استعاره.....
۵۹		۳. استعاره تصریحیه و استعاره بالکنایه.....
۶۱		۴. استعاره مرشحیه، مجزده و مطلقه.....
۶۲		۵. استعاره تمثیلیه.....
۶۳		۶. زیبایی و بلاغت استعاره.....
۶۴		پرسش و تطبیق.....

درس پنجم: مجاز مرسل در قرآن

۶۵		در پیشگاه قرآن:.....
۶۶		مجاز مرسل و علاقه‌های آن.....
۶۷		۱. علاقه کل و جزء.....
۶۷		اطلاق اسم کل بر جزء.....
۶۷		اطلاق اسم جزء بر کل.....
۶۸		۲. علاقه حال و محل.....
۶۸		ذکر حال و اراده محل.....
۶۹		ذکر محل و اراده حال.....
۷۰		۳. علاقه سبب و مسبب.....
۷۰		اطلاق اسم سبب بر مسبب.....
۷۰		اطلاق اسم مسبب بر سبب.....
۷۱		۴. علاقه عموم و خصوص.....
۷۲		اطلاق اسم عام و اراده خاص.....
۷۲		اطلاق اسم خاص و اراده عام.....
۷۳		۵. علاقه لازم و ملزوم.....
۷۳		اطلاق اسم ملزوم بر لازم.....
۷۳		اطلاق اسم لازم بر ملزوم.....
۷۴		۶. علاقه ما کان علیه و ما یؤول الیه.....
۷۴		علاقه ما کان.....
۷۴		علاقه مایؤول الیه یا علاقۀ مایکون.....
۷۵		۷. علاقه آئیت.....
۷۵		۸. علاقه اراده و مشارفت.....
۷۶		زیبایی و بلاغت مجاز مرسل.....
۷۶		پرسش و تطبیق.....

درس ششم: مجاز عقلی در قرآن

۷۹		مجاز عقلی.....
----	-------	----------------

در پیشگاه قرآن:	۷۹
۱. تعریف مجاز عقلی	۷۹
۲. علاقه‌های مجاز عقلی	۸۰
الف) سببیت	۸۰
ب) مکانیت	۸۱
ج) زمانیت	۸۱
د) علاقه فاعلیت	۸۲
ه) علاقه مفعولیت	۸۳
و) علاقه مصدریت	۸۴
منکران وجود مجاز در قرآن	۸۴
پرسش و تطبیق	۸۷

درس هفتم: کنایه و تعریض در قرآن

در پیشگاه قرآن:	۸۹
۱. تعریف کنایه	۹۰
۲. اقسام کنایه	۹۱
۳. تعریض	۹۲
۴. زیبایی و بلاغت کنایه و تعریض	۹۳
پرسش و تطبیق	۹۴

درس هشتم: تصویر هنری در قرآن

در پیشگاه قرآن:	۹۷
۱. مفهوم تصویر هنری	۹۹
۲. گونه‌های تصویر هنری در قرآن	۱۰۱
الف) تصویر بیانی	۱۰۱
یک. تصویر تشبیهی	۱۰۲
دو. تصویر استعاری	۱۰۲
سه. تصویر تشخیصی و تجسیمی	۱۰۳
چهار. تصویر رمزی	۱۰۳
پنج. تصویر مجازی	۱۰۴
شش. تصویر کنایی	۱۰۴
ب) تصویر آوایی	۱۰۵
ج) تصویرهای حقیقی و طبیعی	۱۰۵
پرسش و تطبیق	۱۰۷

درس نهم: استعاره‌های مفهومی

۱۰۹	۱. چپستی استعاره مفهومی.....
۱۱۱	۲. ارکان استعاره مفهومی
۱۱۱	۳. اقسام استعاره‌های مفهومی.....
۱۱۲	الف) استعاره‌های ساختاری.....
۱۱۲	ب) استعاره‌های جهتی – فضائی.....
۱۱۳	ج) استعاره‌های هستی‌شناختی (وجودی).....
۱۱۴	کنایه مفهومی.....
۱۱۵	فضاهای تلفیقی.....
۱۱۵	تأملی در استعاره مفهومی
۱۱۶	پرسش و تطبیق.....

درس دهم: علم معانی و خبر و انشاء

۱۱۷	علم معانی
۱۱۹	خبر و انشا.....
۱۲۰	۱. خبر.....
۱۲۰	الف) تعریف خبر.....
۱۲۱	ب) معیار در صدق و کذب خبر.....
۱۲۲	ج) اغراض خبر
۱۲۲	یک. اغراض اولی.....
۱۲۳	دو. اغراض ثانوی
۱۲۴	د) انواع خبر
۱۲۴	یک. خبر ابتدائی.....
۱۲۴	دو. خبر طلبی.....
۱۲۵	سه. خبر انکاری.....
۱۲۶	ه) عمل برخلاف مقتضای ظاهر در تأکید
۱۲۷	۲. انشا
۱۲۸	الف) اقسام انشاء.....
۱۲۸	یک. انشای غیر طلبی.....
۱۲۹	دو. انشای طلبی
۱۲۹	ب) انواع انشای طلبی
۱۲۹	یک. استفهام.....
۱۳۰	اغراض بلاغی استفهام
۱۳۰	۱. تقریر.....
۱۳۰	۲. انکار.....

۱۳۱	۳. توبیخ
۱۳۱	۴. تعجب
۱۳۱	۵. تحقیر و تمسخر
۱۳۱	۶. تهویل و تعظیم
۱۳۲	۷. امر و نهی
۱۳۲	۸. تشویق و ترغیب
۱۳۲	۹. تهدید و وعید
۱۳۲	۱۰. استبطا و استبعاد
۱۳۳	دو. امر و نهی
۱۳۴	اغراض بلاغی و کاربردهای غیرحقیقی امر و نهی
۱۳۴	۱. دعا
۱۳۴	۲. ارشاد
۱۳۵	۳. تهدید و انذار
۱۳۵	۴. تعجیز
۱۳۵	۵. تسویه
۱۳۶	۶. اهانت و تحقیر
۱۳۶	سه. تمنی
۱۳۷	۳. کاربرد خبر و انشا به جای یکدیگر
۱۳۷	پرسش و تطبیق

درس یازدهم: احوال عناصر جمله (۱)

۱۳۹	اهداف
۱۴۰	۱. ذکر و حذف
۱۴۰	الف) ذکر
۱۴۰	ب) حذف و اغراض بلاغی آن
۱۴۲	۲. معرفه و نکره آوردن
۱۴۳	الف) نکره آوردن
۱۴۳	ب) تعریف به ضمیر
۱۴۴	ج) تعریف به علمیت
۱۴۴	د) تعریف به اسم اشاره
۱۴۵	ه) تعریف به موصول
۱۴۷	۳. اطلاق و تقیید
۱۴۹	پرسش و تطبیق

درس دوازدهم: احوال عناصر جمله ۲ (تقدیم و تأخیر در الفاظ قرآن کریم)

در پیشگاه قرآن:	۱۵۳
اسباب تقدیم و تأخیر در قرآن	۱۵۵
۱. ترتیب اصلی اجزای کلام	۱۵۶
۲. اختصاص	۱۵۶
۳. اهمیت	۱۵۷
۴. عظمت	۱۵۸
۵. شرافت	۱۵۸
۶. مناسبت با سیاق	۱۵۹
۷. سبقت	۱۶۰
۸. سببیت	۱۶۱
۹. کثرت و غلبه	۱۶۱
۱۰. ترقی از ادنی به اعلیٰ	۱۶۲
۱۱. تناسب فواصل	۱۶۲
پرسش و تطبیق	۱۶۳

درس سیزدهم: احوال عناصر جمله ۳ (خروج کلام از مقتضای ظاهر حال)

در پیشگاه قرآن	۱۶۵
۱. خروج از مقتضای ظاهر حال و هنجارگریزی	۱۶۷
۲. انواع خروج از مقتضای ظاهر حال	۱۶۸
۳. التفات	۱۶۹
فایده‌های التفات	۱۷۰
انواع التفات	۱۷۰
یک، التفات از تکلم به خطاب	۱۷۰
دو، التفات از تکلم به غیبت	۱۷۱
سه، التفات از خطاب به تکلم	۱۷۱
چهار، التفات از خطاب به غیبت	۱۷۲
پنج، التفات از غیبت به تکلم	۱۷۲
شش، التفات از غیبت به خطاب	۱۷۳
پرسش و تطبیق	۱۷۳

درس چهاردهم: حصر و قصر در قرآن

در پیشگاه قرآن	۱۷۵
۱. تعریف حصر	۱۷۶
۲. راه‌های حصر	۱۷۶

۱۷۹	 تقسیم‌های قصر
۱۷۹	 الف) تقسیم قصر به اعتبار حال مقصور
۱۷۹	 ب) تقسیم قصر به اعتبار واقع و حقیقت
۱۸۰	 ج) تقسیم قصر به اعتبار حال مخاطب
۱۸۰	 پرسش و تطبیق

درس پانزدهم: فصل و وصل در قرآن

۱۸۳	 در پیشگاه قرآن
۱۸۵	 ۱. تعریف و اهمیت فصل و وصل
۱۸۶	 ۲. عطف در مفردات
۱۸۷	 ۳. عطف در جمله‌ها
۱۸۸	 ۴. مواضع فصل
۱۸۸	 الف) کمال اتصال
۱۸۹	 ب) کمال انقطاع
۱۹۰	 ج) شبه کمال اتصال
۱۹۱	 د) واسطه میان کمال اتصال و کمال انفصال با وجود مانع از وصل
۱۹۱	 ۵. مواضع وصل
۱۹۲	 تناسب میان جملات در عطف
۱۹۴	 پرسش و تطبیق

درس شانزدهم: ایجاز، اطناب و مساوات

۱۹۷	 در پیشگاه قرآن
۱۹۸	 ۱. ایجاز
۱۹۸	 الف) ایجاز حذف
۲۰۰	 ب) ایجاز قصر
۲۰۲	 ۲. اطناب
۲۰۲	 الف) اطناب بسط
۲۰۳	 ب) اطناب به زیاده
۲۰۳	 یک، تفصیل پس از اجمال
۲۰۳	 دو، تفسیر
۲۰۴	 سه، ایغال
۲۰۴	 چهار، تذیل
۲۰۵	 پنج، احتراش
۲۰۶	 شش، تتمیم
۲۰۷	 هفت، اعتراض

هشت، ذکر خاص پس از عام و عام پس از خاص	۲۰۷
نُه، عطف یکی از دو مترادف بر دیگری	۲۰۷
دَه، شیوه‌های دیگری از اطناب	۲۰۸
۳. مساوات	۲۰۸
جایگاه مساوات، ایجاز و اطناب در بلاغت	۲۰۹
تمرین و تطبیق	۲۱۱
منابع و مآخذ	۲۱۳

نمایه‌ها

نمایه آیات	۲۲۳
نمایه روایات	۲۳۱
نمایه اصطلاحات	۲۳۲

مقدمه

دانش بلاغت از علوم ارجمندی است که خاستگاه آن قرآن کریم است و در فهم و تحلیل آیات از کارآمدترین ابزارهای تفسیر به شمار می‌آید.

سکاکی در آخرین سطرهایی که در علم بیان می‌نگارد، گفتاری دارد که در آن، ضمن بررسی نمونه‌هایی از آیات الهی، اهمیت علوم بلاغت را گوشزد و تأکید می‌کند که در باب تفسیر هیچ دانشی در کشف مراد از کلام الهی کاراتر، در تأویل متشابهات کمک‌کارتر، در درک لطائف، نکته‌ها و اسرار سخن حق، سودمندتر و در نقاب برگرفتن از چهرهٔ اعجاز قرآن رازگشتر از معانی و بیان نیست.

وی اشخاصی را که اهمیت این علوم را درک نکرده و حق این دانش را که به منزلهٔ روحی است در کالبد ادبیات، ادا نکرده‌اند و آیات قرآن از زمینه‌های توضیح آنان در غوغایند و از توجیهات ایشان در رنج و عنا، نقد کرده؛ می‌نویسد: این دانش از نمایی ارجمند و فضیلتی تابناک بهره دارد ولی هیچ دانشی را نمی‌بینی چون او ستم دیده و به بلا مبتلا شده باشد. کجایند کسانی که قواعد آن را پی ریختند و شواهد آن را ترتیب دادند؟ حدودی برای آن بیان کردند تا مرجع کار باشد و اصول و قوانین آن را نهادند و حجت‌ها و برهان‌های این علم را گرد کردند و برای ضبط مسائل پراکندهٔ آن دامان به کمر زدند؟ ... در پاره‌ای از حقایق نهفتهٔ مبانی ایمان نیک بنگر، نمی‌بینی کسی بدون این علم آرزوی رسیدن به آن کرده باشد، مگر اینکه به وعده سرگرم شده است.^۱

دیر زمانی بر این دانش گذشته است و در فراز و فرودهای روزگار با رویکردها و رویگردانی‌های اهل آن روبه‌رو بوده است و آثار گسترده‌ای در عرصهٔ آن به نگارش درآمده‌اند.

۱. سکاکی، مفتاح العلوم، ص ۵۳۱-۵۳۲؛ نیز ر.ک: حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۱۱۶-۱۱۷.

هرگاه حرکتی فرخنده به سوی قرآن و متون اصیل دینی همچون نهج البلاغه آغاز شده، علوم بلاغت رونق گرفته‌اند. در عصر حاضر و انگیزش قرآنی جامعه دینی ما نیز بازنگری و بازنگاری در ادبیات قرآنی لزوم دو‌چندانی یافته است.

در نخستین مقاله‌ای که بیست و اندی سال پیش از نگارنده چاپ شد، چنین آوردم که شاخصه‌های ذیل می‌توانند به وجودآورنده کتابی مناسب در زمینه علوم بلاغی باشند:

۱. بهره‌مندی از عمق لازم و ریشه‌یابی و تبیین مباحث؛ به‌گونه‌ای که آن را در جان آموزنده بنشانند، چه اینکه مسائل بلاغی اموری از بر کردنی نیستند، بلکه جوشیده از ذوق و احساس آدمی‌اند. در این راه از آثار جرجانی و تفتازانی می‌توان بهره جست؛

۲. عبارت‌های روشن و روان همراه با تمرین و تطبیق؛ تا با سوق دادن به سوی تحقیق و فعالیت، کار میان استاد و شاگرد تقسیم شود؛

۳. استفاده بیشتر از مثال. سه نوع مثال شایسته یادآوری‌اند:

(الف) نمونه‌های عرفی و ملموس، تا کاربرد قواعد مشخص شود؛

(ب) بهره‌مندی از نمونه‌های قرآنی و کلمات معصومان (علیهم‌السلام)؛

(ج) آوردن اشعار عرب در همان حد شرح مختصر؛

۴. پیراستن متن این علوم از مطالب زائد و آراستن آن به مقدمه‌ای در تاریخ ادب عربی؛

۵. همراه بودن با ادب فارسی و بررسی قواعد در این زبان.^۱

اکنون که توفیق نگارش درسنامه‌ای در علوم بلاغی نصیب شده، نمی‌دانم از این موارد، در چه مقدار موفق بوده‌ام و شاید بخشی به دلیل فراوانی مطالب و محدودیت متن برآورده نشده باشد. مثل بهره‌مندی از حدیث و ادب که در جلد دوم بیشتر است، ولی در جلد نخست کمتر. ولی ویژگی‌های دیگری در این اثر وجود دارد که موارد پیش‌گفته را کامل می‌کند، از جمله:

۱. استفاده گسترده از قرآن کریم و آوردن نمونه‌هایی تازه که حاصل ممارست طولانی نگارنده در حوزه تدریس و پژوهش‌های قرآنی است؛

۲. رجوع به منابع اختصاصی در هر بحث، افزون بر منابع گسترده کهن و جدید در بلاغت

عربی؛

۳. استفاده از علوم قرآنی و منابع آن و رجوع و ارجاع به تفسیرها در تحلیل نمونه‌ها؛

۱. خرقانی، «بدیع در آینه قرآن (۱)»، نشریه علوم و معارف قرآنی، ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۸۱-۸۲.



۴. ترکیب بلاغت سنتی با بلاغت جدید و استفاده از دانش‌های جدید، مانند زبان‌شناسی، نقد ادبی و زیبایی‌شناسی؛

۵. دسته‌بندی و هم‌سنخ‌سازی مطالب و انسجام‌بخشی به بحث‌هایی که در بلاغت سنتی به صورت پراکنده آمده‌اند که البته این کار بیشتر در دانش بدیع انجام گرفته است؛

۶. ورود به مباحث از دریچه مثال‌های قرآنی و استفاده از شیوه‌ای که بلاغت را کاربردی و پژوهشی سازد و آorn نمونه‌های تطبیقی.

گرچه مرسوم است که از علم معانی می‌آغازند، سپس بیان را می‌آورند، دلیل این امر هم آن است که انواع بیانی در مرتبه‌ای پس از رعایت قواعد علم معانی قرار دارند، اما از نظر آموزشی فهم بیان مترتب بر فهم معانی نیست و ما در اینجا نخست از علم بیان آغاز کردیم؛ زیرا از نظر بلاغی، شیرین‌تر و جذاب‌تر است و حس زیبایی‌شناختی علم‌آموز را پرورش می‌دهد و او را در فراگیری بلاغت ترغیب می‌کند. از آن‌سو، موضوعات علم بیان محدودترند و در خاطر ماندگارتر و اهمیت بیشتری دارند و بهتر آن است که انرژی آغاز دوره تحصیلی صرف آنها شود. بدین‌سان، نخستین بخش از کتاب علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن، شامل شانزده درس به شرح ذیل است:

در درس اول، به معرفی علوم بلاغت و بعد زیبایی‌شناختی این علوم پرداخته شده و پیشینه علوم بلاغت و جایگاهشان در میان علوم ادبی و علوم قرآن گزارش شده است؛

درس دوم، درآمدی بر بلاغت قرآن نام دارد و مطالبی را درباره زمینه زبان عربی و ظرفیت‌های زبان‌شناختی و زیبایی‌شناختی آن بیان می‌کند و به بعد زیبایی‌شناختی و زبان‌شناختی قرآن اشاره دارد. سپس دو اصطلاح فصاحت و بلاغت را که محور علوم بلاغی‌اند، تبیین می‌کند و به شاخصه‌های فصاحت و بلاغت در آیات و روایات و نیز فصاحت قرآن اشاره دارد؛

در درس سوم، علم بیان معرفی می‌شود. سپس تشبیه به عنوان نخستین بحث بیانی و ارکان و انواع آن شناسانده شده و کاربردهایی قرآنی از آن تحلیل می‌شود؛

درس چهارم، موضوعش استعاره در قرآن است. در این درس تعریف و ماهیت استعاره، ارکان استعاره، انواع و تقسیم‌های مهم استعاره و زیبایی و بلاغت استعاره واکاوی شده‌اند؛

درس‌های پنجم و ششم به بحث مجاز در قرآن اختصاص دارند. در درس پنجم، نخست حقیقت و مجاز تعریف می‌شود. سپس علاقه‌های مجاز مرسل با نمونه‌های قرآنی هر کدام

گزارش می‌شوند؛ در درس ششم نیز مجاز عقلی و علاقه‌ها و کاربردهای قرآنی آن بررسی می‌شود و در پایان شبهات و دلائل منکران مجاز در قرآن نقد می‌شود؛

درس هفتم، نیز کنایه و تعریض در قرآن نام دارد و یکی دیگر از شیوه‌های پرکاربرد در قرآن را با اقسام و نمونه‌های آن به تصویر می‌کشد. رابطه کنایه و تعریض و زیبایی و بلاغت آن دو نیز جزئی از محتوای این درس است؛

درس هشتم، به یکی از رویکردهای جدید در مباحث علم بیان با عنوان تصویر هنری می‌پردازد. این عنوان هم مباحث بیانی را پوشش می‌دهد و هم گستره‌اش فراتر از علم بیان است و با توجه به فراوانی کاربرد آن در حوزه ادبیات، نیازمند شناسایی است؛

در درس نهم، استعاره‌های مفهومی به عنوان یکی از مباحث جدید زبان‌شناسی که می‌توانند تأثیر ژرفی در مباحث بلاغت ایجاد کنند، معرفی شده‌اند. این بحث از درس استعاره جدا شده و در پایان مباحث بیانی آمده است؛ زیرا به دیگر مباحث بیانی، مانند مجاز و کنایه نیز ناظر است؛

از درس دهم به وادی علم معانی گام می‌نهیم و پس از تعریف این دانش، بحث خبر و انشا، به عنوان نخستین مبحث این علم بررسی می‌شود و انواع خبر و اقسام انشا با اغراض بلاغی هر کدام، ضمن نمونه‌هایی قرآنی مطرح می‌شوند؛

درس‌های یازدهم، و دوازدهم به احوال مسند البیه، مسند و دیگر عناصر جمله می‌پردازد. این احوال شامل ذکر و حذف، تعریف و تنکیر، اطلاق و تقيید و تقدیم و تأخیر می‌شود. صبغه این مباحث نحوی است، اما در دانش معانی، از بعد اغراض بلاغی آنها مطرح می‌شوند. شاید بلاغی‌ترین آنها بحث تقدیم و تأخیر باشد که در آن حکمت‌های تقدیم و تأخیر در قرآن گزارش شده‌اند و نکات تفسیری خوبی را دربر دارند؛

در درس سیزدهم و در ادامه احوال عناصر جمله، خروج کلام از مقتضای ظاهر حال دنبال شده است. مطابقت با مقتضای حال مخاطب، عنصری اساسی در بلاغت کلام است؛ اما گاه سخنور با هدف القای معنا و مفهومی خاص به مخاطب و نکات و اسراری بلاغی، سخن خود را برخلاف ظاهر حال بیان می‌کند و به اصطلاح جدید، هنجارگریزی صورت می‌گیرد. این امر یک خطای دستور زبانی نیست و با فصاحت کلام منافاتی ندارد. این مبحث در پاسخ‌دهی به برخی شبهات قرآنی کارآمد است؛

درس چهاردهم، به حصر و قصر در قرآن اختصاص دارد و راه‌های حصر و تقسیم‌های آن را ضمن کاربردهای قرآنی تحلیل می‌کند؛



درس پانزدهم، به بحث فصل و وصل در علم معانی و شناخت موارد پیوستگی و گسستگی در جملات می‌پردازد. این درس مواضع فصل و مواضع وصل را واکاوی کرده، توان اجمالی تشخیص چرائی عطف یا عدم عطف جملات در آیات را ایجاد می‌کند؛

درس شانزدهم نیز آخرین بحث علم معانی را مطرح سازد که به ایجاز، اطناب و مساوات در سخن مربوط است و اقسام ایجاز و شیوه‌های اطناب و جایگاه بلاغی هر کدام را پی می‌گیرد. حجم دو واحد درسی برای پرداختن به دو علم معانی و بیان ناچیز است، از این‌رو استادان گرامی با مدیریت کردن زمان و واگذاری بخش‌هایی مانند برخی مباحث مقدماتی به مطالعه دانشجویان، سعی در مرور همه مباحث داشته باشند.

تعریف‌ها و مواردی که از تفسیرها نقل می‌شود در پاورقی‌ها به زبان عربی آمده‌اند تا دانشجویان، کمی نیز با عبارت‌های عربی آشنا شوند.

به هر حال طبیعی است که این کار کاستی‌ها و نقدهایی نیز داشته باشد که از نظریات استادان ارجمند بهره خواهیم برد.

در پایان از همه کسانی که در «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» و «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» در به ثمر نشستن این اثر سهمی داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم و برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون دارم؛ به‌ویژه ناظر محترم علمی، جناب آقای دکتر سید محمود طیب حسینی که کتاب را با دقت مطالعه کردند و نکته‌هایی راهگشا نگاشتند. همچنین از ویراستار محترم، آقای سعیدرضا علی‌عسکری تشکر می‌شود.

حسن خرقانی

دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مشهد الرضا علیه السلام، تابستان ۱۳۹۸

درس اول

علوم بلاغت و زیبایی‌شناسی سخن و پیشینه آنها

اهداف

- آشنایی با زیبایی و زیبایی‌شناسی؛
- شناخت اجمالی علوم بلاغت و جایگاه آنها در میان علوم ادب عربی؛
- آشنایی با نقش دانش‌های بلاغی در شناخت و فهم قرآن؛
- آشنایی با سیر تحولی علوم بلاغت؛
- شناخت مهم‌ترین شخصیت‌ها و آثار تأثیرگذار در بلاغت عربی.

۱. زیبایی و زیبایی‌شناسی

در باره تعریف زیبایی دو دیدگاه وجود دارد: نخست، دیدگاهی که زیبایی را حقیقتی قابل ادراک، اما تعریف‌ناپذیر می‌داند. با توجه به تعریف‌ناپذیری زیبایی، زشت و زیبا نیز مفاهیمی تعریف‌نشده خواهند بود. دیدگاه‌ها و زاویه دیدها درباره زیبایی، متفاوت‌اند. شاید این مسئله از اینجا ناشی شده که اصطلاح زیبا، حسی جز بیان یک نگرش و حالت نیست و این نگرش را نیز افراد مختلفی در حالت‌های متفاوتی از امور به کار می‌گیرند.^۱

شماری نیز با بیان‌های گوناگون درصدد شناساندن زیبایی بوده‌اند و تعریف‌هایی برای آن به دست داده‌اند.^۲ در نظر افلاطون، اندازه و تناسب، در همه جا، به زیبایی و فضیلت می‌رسد و

۱. هاسپرز و اسکراتن، فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، ص ۷۷؛ گات و مک آیور لوپس، دانشنامه زیبایی‌شناسی، مدخل «تعاریف هنر»، ص ۱۲۷؛ احمدی، حقیقت و زیبایی، ص ۵۴.

۲. ر.ک: کلی، دائرة المعارف زیبایی‌شناسی، مدخل «زیبایی»، ص ۳۱۹-۳۲۸.

مستلزم آن است که زیبایی عبارت باشد از اندازه و تناسب. ارسطو، نیز زیبایی را اندازه و نظم می‌داند.^۱

یک تعریف ساده و خوب از زیبایی چنین است: زیبایی، یعنی حالت و کیفیت زیبا که عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شیئی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و امری نسبی است.^۲

علامه جعفری، زیبایی را چنین تعریف می‌کند: «نمود یا پرده‌ای نگارین و شفاف که روی کمال کشیده شده است». وی این نظریه را جامع‌ترین دیدگاه درباره زیبایی می‌داند و از آن چنین نتیجه می‌گیرد که با دقت در یک اثر زیبای خلقت، در عین آنکه حس زیباجویی انسان اشباع می‌شود، به دریافت کمال نیز نائل می‌آید.^۳

در زبان عربی از دانش «زیبایی‌شناسی» با عنوان «علم الجمال» یا «جمالیات» یاد می‌شود و معادل انگلیسی آن استتیک (aesthetics) است. زیبایی‌شناسی در آغاز به عنوان شاخه‌ای از فلسفه پدید آمد که به مطالعه فلسفی و نظری دریافت زیبایی و زشتی مربوط می‌شد. همچنین می‌کوشید کشف کند که آیا ویژگی‌های زیبایی‌شناختی به‌طور عینی در پدیده‌هایی که ادراک می‌کنیم، نهفته است یا ذهنی است و در عقل دریافت‌کننده زیبایی وجود دارد. بر این اساس، گروهی آن را چنین تعریف کرده‌اند: «زیبایی‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که با طبیعت زیبایی و دآوری درباره آن، سروکار دارد» یا «گسترده‌ای از دانش است که به توصیف پدیده‌های هنری و تجربه زیبایی‌شناختی و تفسیر آن می‌پردازد».^۴

تعریفی دیگر از زیبایی‌شناسی چنین است: «نظام منسجمی از شاخص‌ها که ممکن است فقط بصری، اخلاقی یا اجتماعی یا هر ترکیبی از اینها باشد و برای ارزش‌یابی آثار هنری به کار می‌رود».^۵

زمانی که در ادبیات از «زیبایی‌شناسی» سخن می‌گوییم مقصود ما زیباشناسی ادبی است؛

۱. مددپور، آشنایی با آرای متفکران درباره هنر، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۲۴۱-۲۴۲.

۲. معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۷۶۷-۱۷۶۸. زیبا از مصدر زیبایییدن، یعنی: زینده، شایسته، نیکو، جمیل، خوش‌نما و آراسته است.

۳. جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۱۷۴.

۴. عبدالحمید، التفضیل الجمالی، ص ۱۸.

۵. لوسی اسمیت، فرهنگ اصطلاحات هنری، ص ۱۱۰. برای اطلاعات بیشتر درباره زیبایی و زیبایی‌شناسی،

ر.ک: خرقانی، قرآن و زیبایی‌شناسی، ص ۱۹-۲۲ و ۸۱-۸۵.



یعنی بررسی زیبایی یک سخن با توجه به شاخصه‌ها و معیارهای تعیین شده در علوم ادبی و زبان‌شناختی مربوط به آن.

۲. علوم ادبی

به سخن منظوم یا منثور زیبا در اصطلاح، «ادب» گفته می‌شود. ادب، زبانی است پرورده با سرشتی زیباشناختی که شورانگیز است و درون‌مایه‌ای هنری دارد. ادبیات هر قوم گنجینه نثر و شعر آنها و رهاورد اندیشه و خیال و زبانشان است.^۱

برای پرهیز از خطا در سخن و نیز برای تحلیل و شناسایی گونه‌های مختلف سخن، علوم ادبی پدید آمدند. بنابر تعریفی، علم ادب یا سخن‌سنجی آشنایی با احوال نظم و نثر و مراتب هر یک از آن و نیز بازشناختن درست از نادرست، خوب از بد و نیز فن بیان عقاید، افکار و عواطف است و لازمه آن آشنایی به احوال نظم و نثر و مراتب آنهاست.^۲

مشهور، علوم ادب عربی را دوازده علم برشمرده‌اند و تا شانزده علم نیز گفته‌اند.^۳ این دسته‌بندی و شمارش را نمی‌توان ثابت دانست، به‌طوری که امروز برخی از این علوم در یکدیگر ادغام شده‌اند، یا متلازم با هم می‌آیند؛ مانند علم اشتقاق که در صرف و لغت آمده است. دانش‌هایی دیگر نیز پدید آمده یا در حال پیدایش هستند؛ مثل شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی که گام در حوزه زبان و ادب عربی نهاده‌اند. از متداول‌ترین علوم ادب عربی، لغت، صرف، نحو و علوم بلاغت هستند.

به جز «علوم ادبی»، اصطلاح دیگری به نام «فنون ادبی» وجود دارد که به رشته‌هایی محدودتر و تخصصی‌تر گفته می‌شود. شماری از این فنون عبارت‌اند از: فن نقد،

۱. کزازی، زیبایی‌شناسی سخن پارسی: بیان، ص ۱۵؛ انوشه و دیگران، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، ج ۲، ص ۳۰؛

اسکندری و عنانی، الوسيط فی الادب العربی و تاریخه، ص ۳-۴.

۲. تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۷؛ انوشه و دیگران، همان‌جا.

۳. ر.ک: تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۷-۲۸؛ حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۴۲-۴۷.

فهرست این علوم چنین است: ۱. علم لغت که خود شامل چند رشته است: فقه اللغة، فروع اللغة، فلسفه اللغة و ریشه‌شناسی؛ ۲. علم اشتقاق؛ ۳. علم صرف؛ ۴. علم نحو؛ ۵. علم معانی؛ ۶. علم بیان؛ ۷. علم انشا؛ ۸. علم عروض؛ ۹. علم قافیه؛ ۱۰. علم قرض الشعر (بررسی زیبایی و نازیبایی کلمات شعر)؛ ۱۱. علم خط (رسم الخط)؛ ۱۲. علم تاریخ (تاریخ ادبیات)؛ ۱۳. علم بدیع؛ ۱۴. علم نقد النثر (نثرشناسی و از فروع آن سبک‌شناسی)؛ ۱۵. علم نقد الشعر؛ ۱۶. علم خطابه (آیین سخنوری).

داستان‌نویسی، مقاله‌نویسی، شرح‌حال‌نویسی، ترجمه، نمایشنامه‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی، فن تحقیق‌متون، فهرست‌نویسی و... که بسیاری از آنها شاخه‌های دیگر می‌یابند؛ برای مثال، در فن داستان‌نویسی، فن داستان‌نویسی کوتاه، رمان‌نویسی و... وجود دارند.^۱

۳. علوم بلاغی

علوم بلاغت شامل به علم معانی، بیان و بدیع گفته می‌شود که به تفصیل درباره هر کدام سخن خواهیم گفت. اجمال مطلب آن است که:

الف) علم معانی

معانی دانشی است که به شناسایی چگونگی احوال کلام با توجه به احوال مخاطبان و موقعیت‌های گوناگون سخن می‌پردازد. مثل آنکه در کجا کلام تأکید شود؟ در کجا به ایجاز و در کجا به اطناب سخن گفته شود؟

ب) علم بیان

علم بیان از چگونگی بازنمود اندیشه‌ای به شیوه‌های گوناگون که نحوه دلالت آنها متفاوت است، گفتگو می‌کند و شامل چهار مبحث تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه است. علم بیان، برای شناسایی شیوه‌های مختلف بیان مقصود پی‌ریزی شده است تا گوینده و نویسنده به کمک آن، شیوه مناسب‌تر بیان مقصود خود را دریابد و آن را آگاهانه در کمال وضوح و به دور از ابهام و پیچیدگی بیان کند.

ج) علم بدیع

بدیع نیز دانشی است که شیوه‌های آرایه‌گری و زیباسازی سخن را باز می‌شناسد.

۴. نقش دانش‌های بلاغی در شناخت و فهم قرآن

در قرآن جنبه دین‌شناختی کلام خداوند و جنبه ادبی آن بر هم نقش شده است و این امر از آن‌روست که قرآن برای بیان آموزه‌های دین‌شناختی و هدایتی خود از ویژگی‌های ادبی و

۱. ر.ک: حکیمی، همان، ص ۵۶-۵۹.

زبانی، به‌ویژه علوم بلاغی، بهره‌وافی و کافی برده است. البته منظور این نیست که قرآن صرفاً اثری ادبی است و جنبه‌های دیگر اعتقادی، اخلاقی، فقهی و... را ندارد. نیک پیداست که قرآن جامع و جهان‌شمول است و به تمام شئون زندگی دنیوی و اخروی انسان نظر دارد.^۱

بر این پایه، تفسیر قرآن کریم به بلاغت و زیبایی‌شناسی آن وابسته است و دریافت مقصود درست آیه گاه در گرو توجه به زیبایی سخن است. برای شناخت ظرافت‌های زبانی و بلاغی قرآن نیز ناگزیر به شناخت معیارهای بلاغت عربی هستیم. از این‌رو، دانش‌های بلاغی از بایسته‌ترین دانش‌ها در جهت فهم و تفسیر قرآن هستند و با آنها، اسرار و ظرافت‌های کلام الهی شناخته می‌شوند.

جلال‌الدین سیوطی در بیان دانش‌های لازم برای مفسّر، دانش‌های بلاغی را از بایسته‌ترین دستمایه‌های مفسّر می‌داند؛ چراکه وی باید درخور اعجاز قرآن، آن را تفسیر کند و به یاری این دانش‌ها به آن می‌توان رسید.^۲

۵. بُعد زیبایی‌شناختی علوم بلاغی

در آثار پیشینیان بلاغت، معانی و بیان، حُسن و زیور سخن شمرده شده‌اند؛ سکاکی، بلاغت و فصاحت را که پایگاهشان قواعد معانی و بیان است، موجب زینت سخن می‌داند که آن را به بالاترین درجات حسن و نیکویی ارتقا می‌دهند و از بدیع به وجه تحسین کلام یاد می‌کند که به قصد نیکوسازی سخن از آنها استفاده می‌شود. او تصریح می‌کند که بلاغت سخن دو سویه دارد: سویه فرازین، که مرز اعجاز و نزدیک به آن است و سویه فرودین، که از آن کمتر، تنزل از مرتبه سخن انسانی است. میان این دو نیز مراتبی فراوان هستند.^۳

در آثار بلاغی عصر حاضر – چه در زبان عربی و چه در فارسی – با توجه به آنکه زیباشناسی کانون توجه قرار گرفته، بُعد زیباشناختی این سه علم اهمیت بیشتری یافته است و از بلاغت با عنوان دانش شناخت زیبایی‌های سخن یاد می‌شود.^۴

۱. میر و عبدالرئوف، مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی، ص ۱۱.

۲. ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۴۹-۴۵۰. برای دیدن موارد و نمونه‌های نقش مباحث علوم معانی و بیان در فهم قرآن، ر.ک: فلاحی قمی، تأثیر علوم ادبی در فهم قرآن، ص ۲۲۳-۲۷۲.

۳. سکاکی، مفتاح العلوم، ص ۴۲۳ و ص ۴۱۵-۴۱۶.

۴. برای نمونه ر.ک: میدانی، البلاغة العربية، ج ۱، ص ۱۱؛ زوبعی و حلاوی، البیان و البدیع، ص ۵ و ۱۳۱؛ بستانی، القواعد البلاغیة فی ضوء المنهج الاسلامی، ص ۲۰.

به تعبیر برخی، هر سروده یا گاه نوشته‌ای که ارزش زیباشناختی داشته باشد، به ناچار باید به آرایه‌ها و هنرهایی که در این سه قلمرو از آنها سخن می‌رود، آراسته باشد و تنها به یاری این سه قلمرو در زیباشناسی سخن است که می‌توان زبان را از ادب بازشناخت و مرز باریک در میان آن دو را آشکار ساخت.^۱ برخی نویسندگان نیز از قواعد این علوم به «عناصر کمال و جمال ادبی» تعبیر کرده‌اند^۲ که تعبیر مناسب‌تری به نظر می‌رسد و برخی مباحث این سه علم در کمال سخن نقش دارند.

۶. پیشینه علوم بلاغی و زیبایی‌شناختی قرآن

دانستن پیشینه هر علم در فراگیری آن نقش اساسی ایفا می‌کند و جایگاه هر کتاب را در آن دانش نشان می‌دهد. علوم بلاغی نیز راه پرفراز و نشیبی را تا عصر حاضر سپرده‌اند و آثار مهمی در عرصه آن رقم خورده‌اند.

فنون بلاغی از گذشته‌های دور در میان عرب کاربرد داشته‌اند و اینان آن را با ذوق ذاتی خویش درمی‌یافتند. با گسترش روزافزون اسلام، به تدریج انواع علوم ادب عربی از لغت و صرف و نحو گرفته تا معانی و بیان و بدیع پدید آمدند تا به شناخت قرآن و دفاع از حریم آن بپردازند، و عرصه‌های اعجاز آن را کشف کنند.

جاحظ (د. ۲۵۵ق) را می‌توان مؤسس علم بلاغت عربی شمرد. این ادیب معتزلی نخستین کسی است که با گردآوری سخنان پیشینیان و هم‌عصران خویش و شرح آنها و نیز با افزودن اندیشه‌های خود، نقش مهمی در علم بلاغت ایفا کرد.^۳

آغازین پژوهش‌های بلاغی بر گرد مبانی و عناصر مختلف آن می‌چرخیدند، بی‌آنکه به تنظیم و تبویب دانش بلاغت توجه کنند. بعدها گردآوری عناصری بلاغی که به یک ریشه باز می‌گشتند، آغاز شد. این کار از زمان ابن‌معتز (د. ۲۹۴ق) و در دانش بدیع انجام پذیرفت تا آنکه نوبت به عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ق) رسید. وی پایه‌های دو علم معانی و بیان را بنا نهاد.^۴

۱. کزازی، زیباشناسی سخن پارسی: بیان، ص ۱۴-۱۵؛ نیز: همو، مقدمه معانی و بدیع، ص ۱۲-۱۳.

۲. میدانی، البلاغة العربية، ج ۱، ص ۲۸.

۳. ر.ک: عتیق، فی تاریخ البلاغة العربية، ص ۵۱ و ۱۱۸-۱۳۸؛ ضیف، البلاغة، تطور وتاریخ، ص ۴۶-۵۸؛ همو، تاریخ و تطور علوم بلاغت، ص ۶۱-۷۶.

۴. ر.ک: ضیف، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۱۶۰-۱۹۰؛ عتیق، همان، ص ۲۴۵-۲۵۸.

شیخ عبدالقاهر با دو کتاب مهم خویش، اسرار البلاغة، در علم بیان و دلائل الاعجاز، در علم معانی، تحولی شگرف در علوم بلاغت پدید آورد. گرچه پیش از وی برخی مباحث معانی و بیان در کتاب‌های دیگران بررسی شده بودند، ولی وی با گردآوری و گسترش کمی و کیفی مباحث مزبور، جهشی ژرف‌اندیشانه در این علوم در انداخت. نوشته‌های شیخ عبدالقاهر تمایزی چشمگیر نسبت به نگارش‌های بلاغی پیشین و حتی بسیاری از نگاشته‌های پس از وی دارند.

عبدالقاهر در این دو کتاب، با هدف اثبات اعجاز قرآن، دو نظریه قدیمی را نقض کرد: نظر کسانی که بلاغت کلام را در لفظ می‌انگارند و دیدگاه کسانی که بلاغت را در معنا می‌پندارند. او نظر ویژه خود را ابراز می‌داشت که بلاغت سخن، نه در لفظ و معنا که در هر دو است. به سخن دیگر، بلاغت سخن در نظم و اسلوب کلام است.^۱ جرجانی از نخستین متفکران مسلمان بود که مباحث‌های زبان‌شناسانه و زیبایی‌شناسانه عمیقی را عرضه داشت و در این کار، گوی سبقت را قرن‌ها پیش از اندیشمندان غربی ربود.

پس از عبدالقاهر، زمخشری (د. ۵۳۸ق) کار وی را پی گرفت و در تفسیر گرانسنگ الکشاف، به تطبیق دیدگاه‌های او پرداخت و با برنمودن نکاتی جدید که ارمغان ژرف‌اندیشی و ذوق بلاغی او بود، قواعد عبدالقاهر را کامل ساخت.^۲

در قرن هفتم هجری، دانشمندانی بلاغت‌پژوه، پای به عرصه نهادند که به جای ادامه دادن راه عبدالقاهر و زمخشری، در نوآوری و پیشبرد علم بلاغت، شیفته آثار شیخ شدند و همت خویش را مصروف شرح و تلخیص آنها ساختند و با وارد ساختن اسلوب‌های منطقی و فلسفی، بلاغت را خشک و پژمرده کردند.^۳

از این میان، فخرالدین رازی (د. ۶۰۶ق) کتاب نه‌ایة الایجاز فی درایة الاعجاز را نگاشت که تحریری مختصر از دو کتاب دلائل الاعجاز و اسرار البلاغة جرجانی است. او از حدائق السحر و طواط، کشاف زمخشری و النکت فی اعجاز القرآن رمانی نیز بهره برد. ابویعقوب، یوسف سکاکی (د. ۶۲۶ق) نخستین کسی بود که میان دیگر مباحث بلاغت تفاوت نهاد. از زمان او مباحث علوم بلاغت در سه علم معانی، بیان و بدیع دسته‌بندی و بررسی شدند.

۱. ر.ک: جرجانی، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، ص ۳۸-۴۵.

۲. برای تفصیل ر.ک: ضیف، تاریخ و تطور علوم بلاغت، ص ۲۹۴-۳۶۴.

۳. ر.ک: همو، البلاغة، تطور و تاریخ، ص ۲۷۱؛ عتیق، فی تاریخ البلاغة العربية، ص ۲۶۷.

مهم‌ترین تألیف وی کتاب مفتاح العلوم است که آن را درباره علوم ادب عربی نگاشت و به سه بخش کلی تقسیم کرد: ۱. علم صرف و اشتقاق با انواع آن؛ ۲. علم نحو؛ ۳. علم معانی و علم بیان. این کتاب دو مبحث درباره فصاحت و بلاغت و مبحثی درباره فنون بدیع لفظی و معنوی نیز دارد.

شهرت سکاکی به بخش سوم کتابش باز می‌گردد که توجه فراوان دیگران را پس از خود برانگیخت. مباحث بلاغی وی تلخیصی دقیق از بررسی اندیشه‌های ویژه خود و افکار بلاغت‌پژوهان پیش از اوست. وی از کتاب دلائل الاعجاز و اسرار البلاغة جرجانی، نه‌ایة الایجاز رازی و کشف زمخشری بهره گرفت. سکاکی حلقه‌ای است میان اندیشه بلاغی عبدالقاهر و دیدگاه بلاغت‌پژوهان متأخر که بلاغت را در مباحث نظری محصور کردند و آن را کاربردی نساختند.

پس از سکاکی، مفتاح العلوم وی کانون توجه شد و بر بخش بلاغت آن شرح‌ها و تعلیقه‌ها نوشتند و تلخیص‌هایی از آن پدید آمدند. از جمله کسانی که به شرح این بخش پرداختند، قطب‌الدین شیرازی (د. ۷۱۰ق)، محمد بن مظفر خلخالی (د. ۷۴۵ق)، سیدشریف جرجانی (د. ۸۱۶ق) و ابن‌کمال پاشا (د. ۹۴۰ق) بودند. برخی نیز همانند بدرالدین بن مالک (د. ۶۸۶ق)، خطیب قزوینی (د. ۷۳۹ق) و عبدالرحمن شیرازی (د. ۷۵۶ق) به تلخیص آن اهتمام ورزیدند.

خطیب قزوینی در تلخیص خود، به کتاب مفتاح العلوم اکتفا نکرد، بلکه آنچه را نیکو نمی‌دانست، وانهاد و آرای خود و دیگران را بدان افزود و از روش شیخ عبدالقاهر و مباحث بلاغی ابن‌اثیر بهره جست. وی با پرهیز از پیچیدگی‌ها و درازگویی‌های سکاکی، برخی اصطلاحات و تعریف‌های وی را تغییر داد و گاه شواهدی بر آنها افزود. بنابراین، کار وی آمیزه‌ای از تلخیص، تهذیب و تکمیل است.

خطیب، سپس الايضاح خود را با بسط و مثال‌های بیشتر نگاشت. تلخیص المفتاح و ايضاح خطیب تاکنون سیطره خود را بر علوم بلاغی گسترده‌اند. تلخیص المفتاح، شرح‌هایی فراوان دارد، از جمله: شرح مطول و شرح مختصر المعانی، از سعدالدین تفتازانی (د. ۷۹۱ق). برخی نیز آن را به نظم کشیده‌اند، همانند سیوطی (د. ۹۱۱ق) در الجُمان که خود آن را با عنوان عقود الجمان شرح کرده است.

شرح مختصر المعانی، از تفتازانی، مواهب الفتاح، از ابن‌یعقوب مغربی (د. ۱۱۱۰ق) و عروس الافراح، از بهاء‌الدین سبکی (د. ۷۷۳ق) در کتابی با نام شروح التلخیص جمع‌آوری شده‌اند و در حاشیه آن ايضاح خطیب قزوینی و حاشیه دسوقی بر شرح سعدالدین تفتازانی